

تجاوز به سبک یک جنتلمن

روایت‌هایی تکان‌دهنده از قربانیان تجاوز در جنگ بوسنی

نوشته‌ی الهام بن عباس

www.ketab.ir



نشرستاک
SHARSTAK PUBLICATION



نشر ستاک
SETAK PUBLICATIONS

سرشناسه: بن عباس، الهام، ۱۳۶۵- عنوان و نام پدیدآور: تجاوز به سبک جنگلن: روایت‌هایی تکان‌دهنده از قربانیان تجاوز در جنگ بوسنی / نویسنده الهام بن عباس.

مشخصات نشر: تهران: ستاک، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۱۵۶ص. شابک: ۷-۷۷-۸۸۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا عنوان دیگر: روایت‌هایی تکان‌دهنده از قربانیان تجاوز در جنگ بوسنی.

موضوع: قربانیان سواستفاده جنسی - بوسنی و هرزگوین موضوع: Sexual abuse victims -- Bosnia and Herzegovina

موضوع: جنگ یوگسلاوی، ۱۹۹۱-۱۹۹۵م. - خاطرات بوسنیایی‌ها موضوع: Student-centered learning - United States

موضوع: سارایوو (بوسنی و هرزگوین) - تاریخ - محاصره، ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶م. - خاطرات بوسنیایی‌ها رده‌بندی کنگره: ۱۱۷۶۵۵۸

رده‌بندی دیویی: ۳۶۲/۸۸ شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۷۳۳۲

تجاوز به سبک جنگلن

نوشته‌ی: الهام بن عباس

مجموعه کتاب‌های افرا

ویرایش: مریم سعیدی مدیر هنری: پرهام عرب

حروفچینی: صفحه‌آرایی و نمونه‌خوانی: بخش تولید نشر ستاک

چاپ اول ۱۴۰۰، شماره نشر ۱۷۶ شمارگان: ۵۵۰ نسخه، قیمت ۵۰۰۰۰ تومان

نشر ستاک | تلفن: ۰۹۱۲۰۷۲۷۴۸

www.setakpub.ir

@setakpub :setakpub

Email: setakpub@gmail.com

ستاک فصل رویش کلمات

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر ستاک» محفوظ است.

تکثیر، انتشار، و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

فهرست

۶.....	مقدمه‌ی نویسنده
۱۲.....	مقدمه‌ی پژوهشگر
۱۶.....	واژه‌هایی که قبل از خواندن کتاب بهتر است بیشتر درباره آن‌ها بدانید
۲۱.....	اتوبوسی به سوی وحشت
۲۸.....	زخم‌هایی که بر روحماندگار شد
۳۸.....	فرزندان جنگ
۵۰.....	شکنجه‌های آقای روشنفکر
۶۳.....	جهنم اومارسکا
۷۷.....	زخم صلیب
۸۳.....	عطر جنگل، بوی باروت
۹۰.....	چهره‌ی پشت نقاب استاد
۹۹.....	این دختر چند؟
۱۰۹.....	پرستار می‌گفت به ما کاری ندارند
۱۱۴.....	من جای مادرت هستم
۱۲۱.....	تجاوز به سبک یک جنتمن
۱۳۰.....	دوازده ساعت تا شرافت
۱۳۸.....	معلم روستا
۱۴۵.....	تراژدی در قاب پنجره

مقدمه‌ی نویسنده

در سال ۲۰۱۴ میلادی، زمانی که خبر اسارت، خرید و فروش و سوءاستفاده‌ی جنسی از زنان ایزدی توسط گروه موسوم به «دولت اسلامی» در جهان پیچید، مردم، رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری در بهت و تأسف عمیقی فرو رفتند. در آن روزها مانند آنچه پیش‌تر به کرات شاهد آن بوده‌ایم، رفتار گروهی افراطی و تندرو از مسلمانان سنی مذهب، به پای اسلام و تمامی مسلمانان نوشته شد و در سرتاسر جهان و حتی در میان برخی هم‌وطنانمان، مقدسات و مبانی اسلامی، عرصه‌ی تاخت و تاز، انتقادات و اعتراضات غیرمنصفانه‌ای قرار گرفت.

آن زمان اما شاید کمتر کسی می‌دانست و یا به خاطر داشت که قریب به بیست سال پیش، اتفاقاتی مشابه آنچه آن روزها جهان شاهد آن بود رخ داده است، حوادثی مشابه، اما این بار علیه زنان مسلمان و به دست صرب‌های افراطی مسیحی، آن هم نه در خاورمیانه‌ی پرماجر، که در دل قاره‌ی سبز و البته در برابر نگاه‌های بی‌تفاوت

سازمان‌های به‌ظاهر کمک‌رسان و نیروهای بین‌المللی حامی صلح.

این حرف‌ها معنایشان نه تطهیر جنایتکاران با زبان قیاس است و نه کوچک شمردن جنایات به بهانه‌ی کثرت وقوع‌شان. این‌ها همه مذمت افراط است در هر نوع و به هر نام، و محکومیت مصادره‌ی ادیان و مقدسات است، در راه خودکامگی، و تقبیح نژادپرستی و قوم‌پرستی است، که عاقبت تمامی‌اش می‌شود جهانی این‌گونه که هست؛ جهانی که فرسنگ‌ها فاصله دارد از ایده‌آل هر مرام و مسلکی.

من بوسنی و مردمانش را بیش از هر چیز از زبان همسرم می‌شناسم. مردی که حالا پس از گذشت دوازده سال از زندگی مشترک با او، می‌توانم شهادت دهم که عمر خود را در راه شناخت و باوگو کردن فجایع و جنایاتی که بر این مردم گذشته صرف کرده است. این کتاب اما داستان متفاوتی دارد از آن‌چه تاکنون در این‌باره گفته‌اند و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم. در سال‌های اخیر کتاب‌های زیادی درباره‌ی قتل‌عام‌ها، محاصره‌ها و نبردهای این سرزمین نگارش و ترجمه شده‌اند. در بسیاری از این روایات، شاهد این داستان کلی هستیم که مردان شهر یا روستایی از زنان تفکیک شده و قربانی جنایات صرب‌های افراطی می‌شوند. اما معمولاً تصویر روشنی از آن‌چه بر سر زنانی که به دست نیروهای متخاصم می‌افتند، ترسیم نشده که چه‌بسا این باور را در ذهن مخاطب تقویت کند که این جانیان سنگدل، لااقل در خصوص زنان با رأفت بیش‌تری برخورد کرده و آنان را به امن و امانی رسانده‌اند. این در حالی است که آن‌چه بر این زنان گذشته، در رنج و ملال نه تنها کم‌تر از مردان نیست، که باید گفت بسیار سخت‌تر و جان‌کاه‌تر است.

زمانی که همسرم فایل‌های ترجمه شده‌ی اظهارات این زنان را در اختیار من قرار داد تا رنج‌ها و مصائب آنان را در قالب روایاتی یک‌پارچه و البته با قلمی زنانه و

مادرانه به نگارش دریابورم، شاید بیش‌بینی مواجه شدن با این حجم از غم و درد و البته خشونت و قساوت را نداشتم، اما در پیمودن و به پایان رساندن این راه مصمم بودم و با پایان یافتن داستان هر روایت مصمم‌تر نیز شدم. زیرا که در برابر موضوعاتی این‌چنین دو دیدگاه کلی وجود دارد. دیدگاه اول که به بهانه‌ی حفظ حرمت و آبرو طرفدار سکوت و سرپوش نهادن بر این فجایع است، که در حقیقت آب به آسیاب جنایتکار می‌ریزد و دیدگاه دوم که هدف گردآوری و نگارش این کتاب نیز همین بوده، افشای جنایت با امید به محکوم شدن و تکرار نشدن آن است.

با توجه به این موضوع که تجاوز و شکنجه‌های جنسی، نه یک رفتار و هوس‌رانی شخصی، بلکه یک رویه و تاکتیک جنگی در خلال جنگ در منطقه‌ی بوسنی بوده است، واضح است که تعداد قربانیان آن بسیار بسیار بیش‌تر از تعدادی است که ما به روایت داستان آن‌ها پرداخته‌ایم، به طوری که تعداد قربانیان آن را تا پنجاه هزار نفر تخمین زده‌اند. گستردگی این موضوع به حدی است که در بعضی مناطق، شاید کمتر زنی را بتوان یافت که از این ماجرا در امان مانده باشد. قربانیانی که بسیاری از آن‌ها به دلایلی که برای همه‌ی ما شناخته شده هستند، پس از جنگ هیچ صحبتی از آن‌چه بر سرشان آمده با هیچ‌کس، حتی نزدیک‌ترین دوستان و خویشاوندان خود نداشته و ماجرا را چون رازی سربه‌مهر نزد خود پنهان داشته‌اند.

روایت‌هایی که در این کتاب پیش رو خواهید داشت، تماماً واقعی و بر اساس گفته‌های صریح و دقیق قربانیان حقیقی این جنایات است. نقل‌های پراکنده‌ای از ماجرا که در قالب فرم‌هایی شبیه به اظهارنامه به دست من رسید و من با استناد به آن‌ها سعی کردم روایت‌هایی منسجم و قابل درک از آن‌ها بسازم. در این روایات هر آن‌چه از سرگذشت قربانیان و رنج‌هایی که بر آنان رفته می‌خوانید، همگی حقیقی و

مستند بوده و در نقل آن‌ها کوچکترین اغراقی نشده و داستانی تخیلی یا غیرواقعی جاشنی آن‌ها نشده است.

به دلیل حفظ حریم شخصی افراد و ترغیب قربانیان برای بازگو کردن صریح و بی‌پرده‌ی آنچه بر آنان گذشته، نام افراد برای ما فاش نشده و آنچه که در خلال روایات از محل زندگی، شغل و یا سایر مشخصات شخصی قربانی ذکر شده، همگی مواردی بوده‌اند که شخص راوی خود تمایل به مطرح کردن آن‌ها داشته است.

تعدادی از قربانیان، در مصاحبه‌ها و اظهارات خود، از افراد زیادی نام برده‌اند که نام این افراد تأثیر چندانی بر روند داستانی که نقل کرده‌اند نداشته و تنها در پیگیری‌های حقوقی اهمیت دارد. به عنوان مثال ممکن است راوی هنگامی که در حال انتقال از شهری به شهر دیگر بوده از یک مکانی که برای بازرسی در آن‌ها توقف داشته و نیز یک‌به‌یک سربازانی که در این ایستگاه‌ها موفق به شناسایی آن‌ها شده نام برده باشد. طبیعی است که ذکر این نام‌ها برای مخاطب عام فارسی‌زبان نتیجه‌ای جز طولانی و خسته‌کننده شدن روایت ندارد. به همین دلیل این اسامی در طول روایات حذف شده و نام‌های ذکر شده تنها در مواردی به کار رفته‌اند که شخص مورد نظر شخصیتی شناخته شده و صاحب‌نام بوده و یا ذکر نام‌ها در ملموس شدن و یا معنادار شدن روایت تأثیرگذار بوده، که در این موارد نام‌ها همگی به شکل حقیقی و بدون تغییر آورده شده‌اند.

در نگارش پانزده روایتی که در ادامه خواهید خواند، سه مشکل اساسی در برابر من بود که دانستن آن‌ها ممکن است کاستی‌ها و نقصان‌های احتمالی را جبران نمایند.

نخستین موردی که در نگارش روایت‌های این مجموعه بسیار سخت و طاقت‌فرسا

بود، ماهیت تاسف‌آور و دلخراش روایات بود. من به عنوان کسی که می‌بایست مصاحبه‌ها و نقل‌های قربانیان را دقیق و جزء به جزء مطالعه می‌کردم و روایت کلی را از دل آن‌ها بیرون می‌کشیدم، گاه ناچار بودم بارها و بارها تمامی مطالب را از ابتدا تا انتها مرور کنم تا بتوانم باور کنم و بپذیرم که جنایتی که در برابر من است حقیقتاً اتفاق افتاده و من در درک آن‌ها اشتباه نمی‌کنم. به علاوه این فجایع گاه به قدری عمیق بودند که ساعت‌ها مرا در بهت فرو می‌برد و یا پا به پای نگارش آن‌ها اشک می‌ریختم. گاه تصور رنج‌های قربانیان، تا روزهای متمادی ذهنم را درگیر خود می‌ساخت و مجبور بودم چند روزی کار نوشتن و خواندن در این باره را رها کنم، تا دوباره به نظم‌ی منطقی برای ادامه‌ی کار درسم. البته غم‌هایی در این داستان‌ها هستند که تا همیشه در ذهن من باقی خواهند ماند. غم‌هایی از آن جنس که نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

دومین چالش پیش‌رو در نگارش روایات، صراحت راویان در بیان جزئیات شکنجه‌ها و آزارهای جنسی و تجاوزات بود که در باور عمومی و فرهنگ عام جامعه‌ی ما پذیرفته نیست. تمایل شخص من بر این بود که مخاطب، از تمام رنج‌ها و شکنجه‌هایی که بر قربانی رفته، تا آن‌جا که در قالب کلمات می‌گنجد آگاهی یابد، اما نه لزوماً با ذکر جزئیاتی که معمولاً در گفتارهای عمومی ما قابل ذکر نیستند. به همین دلیل تلاش کردم که این بخش از ماجرا را از پس پرده‌ای تاریک و به‌گونه‌ای غیرمستقیم روایت کنم و ذهن مخاطب را برای حدس آن‌چه رخ داده مهیا سازم. امیدوارم که در این امر موفق بوده باشم.

اما سومین و بزرگ‌ترین دشواری من در این مسیر، این بود که ارتباط ما با راویان و قربانیان، ارتباطی یک‌سویه بود. طبیعی است که به دلیل مخفی بودن نام قربانیان، ارتباط‌گیری با آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی نیز مقدور نبود و ما تنها به آن‌چه آن‌ها

خود مهم پنداشته، و روایت کرده بودند دسترسی داشتیم و امکان پرسش درباره‌ی جزئیات بیش‌تر و از همه مهم‌تر اطلاع از عکس‌العمل جامعه و خویشاوندان نسبت به آن‌ها در روزهای پس از جنگ وجود نداشت، که شاید اگر این امکان وجود داشت، برخی از این سرگذشت‌ها می‌توانستند خود به تنهایی کتابی مستقل باشند.

خشونت، افراط و خود برتربینی قومی و نژادی، آفت‌هایی هستند که گاه آشکار و اغلب اوقات بسیار پنهان و آرام در درون بسیاری از ما در حال ریشه‌دواندن هستند. آفت‌هایی که ممکن است سال‌های سال خاموش بمانند و در بزنگاه‌هایی هولناک، عرصه‌ی بروز یابند و تبدیل شوند به فجایعی شبیه به آنچه در این کتاب و امثال آن می‌توان یافت. امید است که این کتاب قدمی هرچند کوچک باشد، برای دنیایی بهتر که همه در آرزوی آنیم.

به امید روزی که مصلح منتظر، طعم شیرین عدالت، صلح و امنیت حقیقی را به کام مردمان خسته‌ی عالم بچشاند.

الهام بن عباس